

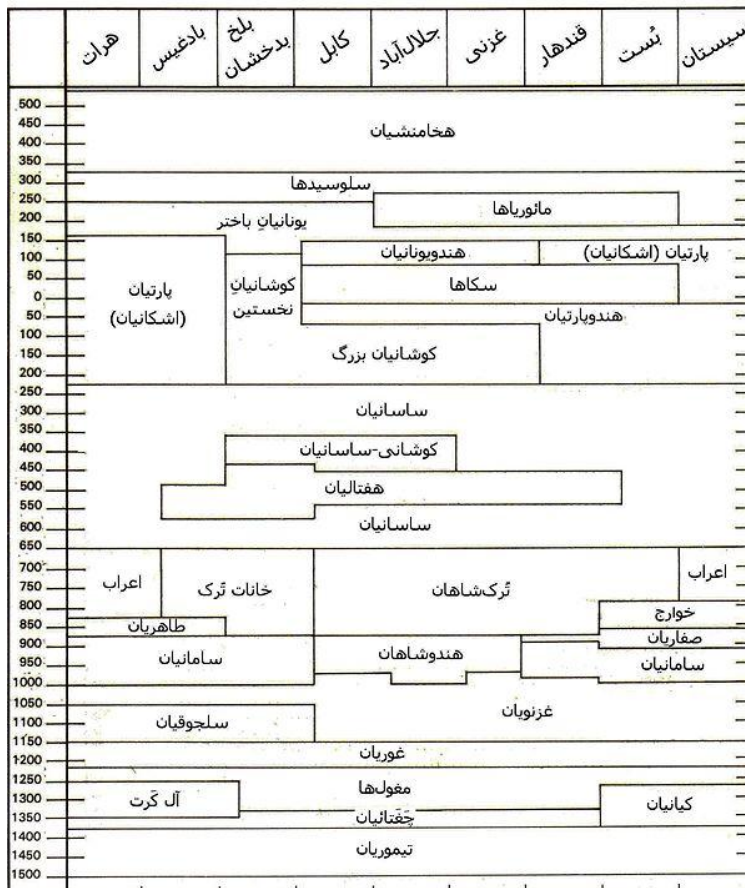
13-2-1 کابل شاهان یا رتبیل شاهان:

تُرک‌شاهان-ح. ۶۵۰-۸۵۰ م.: در حوزه‌های کابل، جلال‌آباد، غزنی و قندهار؛ ۶۵۰-۸۰۰ م.: در حوزهٔ بست دودمان‌های کابل‌شاهان، در بخش‌هایی از درهٔ کابل (در شرق افغانستان) و ولایت قدیم گندهارا (شمال‌شرقی افغانستان، شمال پاکستان و شمال‌غربی هند) فرمانروایی می‌کردند. پایتخت آنها در شهر کاپیسا و کابل بود. کاربرد واژهٔ شاهی لقب لپنتی متداول در این منطقه بوده که در زمان‌های مختلف توسط هخامنشیان، باختریان، سکاها، کوشانیان و هون‌ها (هفتالیان)، و همچنین بین سده‌های ششم تا هشتم میلادی توسط شاهی‌های کابل و کاپیسا کاربرد می‌شده‌است. تاریخ‌دانان دورهٔ فرمانروایی شاهی‌های کابل و گندهارا را به دو دوره تقسیم می‌کنند:

تُرک‌شاهان بودایی (پیش از سال ۸۷۰ میلادی)

هندوشاهان (بعد از سال ۸۷۰ میلادی)

نمودار گاه‌شمار دوره‌های تاریخی افغانستان



هندوشاهان:-

ج. ۸۷۰-۱۰۰۰ م.: در

جلال آباد؛ ۸۷۰-۹۸۰

م: در کابل؛ و - ۹۶۰

۱۷۰ م.: در حوزه

غزنی

دوره اسلامی

تاریخچه مختصر

در حمله (اعراب) مسلمان به افغانستان، در دوره خلافت خلفای راشدین ۶۳۲-۶۶۱ م. صورت گرفت. سپاهیان عرب پس از شکست دادن ساسانیان در جنگ قادسیه و جنگ نهاوند (۶۴۲ م.) بسوی شرق تاختند. مقاومت مردمان سرسخت بومی این سرزمین مانع جدی برای اعراب بیانگرد بود. بدین ترتیب، پیشرفت سریع اسلام، در این سرزمین که از طریق قندهار و غزنی به سوی قلب افغانستان پیش می‌رفت، به پیشرفتی کند و سخت تبدیل شد، کابل‌شاهان (رتبیل‌شاهان یا هندوشاهان) در کابل رهبری مقاومت را بر عهده داشتند.



3 معماری اسلامی در افغانستان

اهمیت شهر کابل در عهد فرمانروایی این دودمان از کاپیسا پیشی گرفته بود. سرانجام کابل پس از محاصره یک ساله، در سال ۶۶۴ میلادی توسط اعراب فتح شد. ابوریحان بیرونی، تاریخ‌دان عهد غزنویان، در گزارشی از سفرش به هند در کتاب تحقیق ماللهند، از ایستادگی کابل‌شاهان با دیده حرمت نگریسته: "حال که هندوشاهیان منقرض شده‌اند، و از تمامی این دودمان هیچ کسی باقی نمانده، باید بگوییم، با تمام جلال و شکوهشان، هرگز از انجام کاری که شایسته بود کوتاهی نکردند، آنها مردان والامنش و نجیب بودند"

1-2-14 طاهریان: ۸۷۲-۸۲۱ م.: تنها در حوزه‌های هرات و بادغیس

1-2-15 صفاریان: ۱۰۰۲-۸۶۱ م.: در بُست و سیستان؛ ۸۷۵-۹۰۰ م.: در حوزه قندهار

1-2-16 سامانیان: ۹۹۹-۸۷۵ م.: در حوزه‌های هرات، بادغیس، بلخ و بدخشان؛ ۹۸۰-۹۸۰ م.:

در حوزه قندهار؛ و ۹۹۹-۹۱۰ م.: در حوزه‌های بُست و سیستان

1-2-17 غزنویان: ۱۱۴۸-۹۶۲ م.: در غزنی؛ ۹۸۶-۱۱۴۸ م.: در کابل و قندهار؛ ۹۹۹-۱۱۴۸ م.:

در جلال‌آباد، بُست و سیستان؛ و ۹۹۹-۱۰۳۸ م.: در هرات، بادغیس، بلخ و بدخشان

1-2-18 سلجوقیان: ۱۱۵۳-۱۰۳۸ م.: تنها در حوزه‌های هرات، بادغیس، بلخ و بدخشان

1-2-19 غوریان: ۱۲۱۴-۱۱۴۸ م. . در سال ۱۱۴۰ علاء الدین غزنی را به آتش کشید در سال

۵۳۵ هجری قمری (۱۱۴۰ میلادی) غوریان شهر با شکوه غزنی را که زمانی لقب عروس شهرها را



داشت به تصرف خود درآوردند .

علاالدین غوری معروف به

جهانسوز این شهر زیبا را به آتش کشیده اجساد سلاطین غزنوی مگر محمود و پسرش مسعود را از قبرها بیرون کشید و سوزاند. غوریان که همواره خواب رسیدن به سرزمین زرخیز هندوستان را می‌دیدند، بعد از ویران ساختن غزنی در اسرع وقت رهسپار هندوستان شدند. یکی از غلامان ترک غوریان بنام قطب الدین تخت و تاج دهلی را تصاحب کرد و پس از وی غلامان ترک به مدت یک قرن این تخت و تاج را در اختیار داشتند.

1-2-20 خوارزمشاهیان: 1219 تا حدود 1248

حمله مغول: 1221 م. چنگیز 1155 تا 1227

1-2-21 ایلخانیان: ۱۲۳۵-۱۲۵۶ م.: در حوزه‌های هرات و بادغیس

1-2-22 آل کرت: ۱۳۸۱-۱۲۴۵ م.: تنها در حوزه‌های هرات و بادغیس

1-2-23 کیانیان: ۱۳۸۱-۱۲۶۰ م.: تنها در حوزه‌های بُست و سیستان

1-2-24 چغتایی ها: ۱۳۸۱-۱۳۳۰ م در حوزه‌های بلخ، بدخشان، کابل، جلال‌آباد، غزنی و قندهار

1-2-25 تیموریان: ۱۵۰۶-۱۳۸۱ م

تیمور لنگ 1336 تا 1405 . شاهرخ در هرات. الغ بیگ در سمرقند تیمورلنگ چندین بار این سو

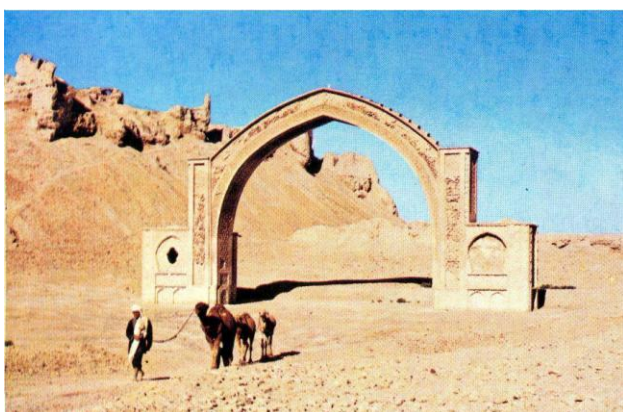


تا آنسوی هندوکش را زیر سم ستوران خود گذراند؛ مشهورترین لشکرکشی‌های وی در ۸۰۱ هجری قمری (۱۳۹۸ میلادی) انجام شد که طی آن هندوستان فتح و دهلی غارت گردید و یک بار دیگر

5 معماری اسلامی در افغانستان

پس از چنگیز این نواحی دستخوش چپاول و ویرانی شد. با مرگ تیمور در سال ۸۰۷ هجری قمری، پسر چهارمش شاهرخ، حکومت هرات و نیز ماوراءنهر را بدست گرفت. وی هرات را به عنوان پایتخت خود برگزید، حصارهای آن را مرمت و بازسازی کرد و در آن بناهای مجللی ساخت، و این شهر بصورت مرکز مهم سیاسی و بازرگانی منطقه درآمد. در این سالها معماران، نقاشان، علما و محققان و موسیقی دانان مورد تکریم و تجلیل فراوان قرار گرفتند. بزرگترین هنرمند میناتوربست استاد کمال الدین بهزاد، در حدود سال ۸۴۴ هجری قمری (۱۴۴۰ میلادی) در هرات تولد یافت و در دربار سلطان حسین بایقرا، آخرین شاهزاده‌ای تیموری، زندگی کرد.

بخش اعظم دوره صدساله حکومت تیموریان در افغانستان شاهد رونق و رفاه و پیشرفت این کشور بود. ظهیرالدین محمد بابر بزرگ‌ترین فرزند عمر شیخ شاهزاده تیموری بود که بر فرغانه حکم می‌راند. او شهر کابل را برای آب و هوای مطبوع و اهمیت بازرگانی و سوق جیشی آن به عنوان مرکز خویش برگزید. بعد از فتح هند دیگر هیچگاه به کابل برگشت، اما بنا به وصیت خود، جسدش را بعد از مرگ به این شهر آورده و در باغی که خودش بنام باغ دایر کرده بود منتقل و دفن نمودند.



1-2-26 صفویان: 1502 تا

1722، میرویس در کندهار 1708

. گورکانیان در هند 1526 تا

1858. بابر 1526 تا 1530

1-2-27 هوتکیان ۱۷۰۹-

۱۷۳۸ م.: در قندهار؛ ۱۷۲۲-۱۷۳۸

م.: در حوزه‌های سیستان، بُست، هرات، بادغیس

1-2-28 افشاریان ۱۷۴۷-۱۷۳۸ م.: در قندهار، بُست و سیستان؛ ۱۷۳۸-۱۷۵۰ م.: در هرات و

بادغیس

1-2-29 تشکیل حکومت افغان

شاهنشاهی احمدشاه درانی

احمدشاه ابدالی، در سال ۱۷۴۷ میلادی، دولتی در محدوده افغانستان فعلی پدید آورد. دانشنامه بریتانیکا، شاهنشاهی احمدشاه درانی را آخرین امپراتوی افغان خوانده‌است. این دانشنامه می‌افزاید که



شاهنشاهی احمدشاه درانی پس از امپراتوری عثمانی، دومین امپراتوری جهان اسلام در نیمه دوم قرن هجده بود که حدود قلمرو آن را از مشهد تا دهلی و از آمودریا تا دریای عرب دربر می‌گرفت^۱

الفنستون، محقق نامور انگلیسی، که از احمد

شاه درانی به عنوان مؤسس افغانستان معاصر یاد کرده‌است، می‌نویسد: «احمدشاه خردمندانه، اساس یک امپراتوری بزرگ را نهاد. هنگام در گذشت او متصرفاتش از غرب خراسان تا سرهند و از آمو تا

¹ مهدیزاده کابلی، در آمدی بر تاریخ افغانستان، قم: نشر صحافی احسانی، چاپ اول - زمستان ۱۳۷۶ خورشیدی

7 معماری اسلامی در افغانستان

دریای هند گسترش داشت و این همه را با انعقاد پیمان به دست آورده بود و یا عملاً (با زور شمشیر) تصرف کرده بود.^۲

از سال ۱۱۶۰ هجری قمری (۱۷۴۷ میلادی) به بعد حکومت مستقل افغانستان را همواره دو خانواده از طایفه ابدالی در دست داشته‌اند. از سال ۱۱۶۰ هجری قمری (۱۷۴۷ میلادی) تا ۱۲۵۱ هجری قمری (۱۸۳۵ میلادی) تاج و تخت این کشور در دست سدوزاییها بود؛ و از آن پس به خانواده محمدزایی که از همان طایفه بودند تعلق گرفت.

عبدالرحمن خان و شکل‌گیری سرحدات سیاسی

حبیب‌الله خان

امان‌الله شاه، استقلال و اصلاحات: پس از مرگ امیر حبیب‌الله خان پسر سومش، امان‌الله خان تخت و تاج پدر را تصاحب کرد. و به عنوان شاه افغانستان پذیرفته شد.

محمدنادر شاه

محمدظاهر شاه

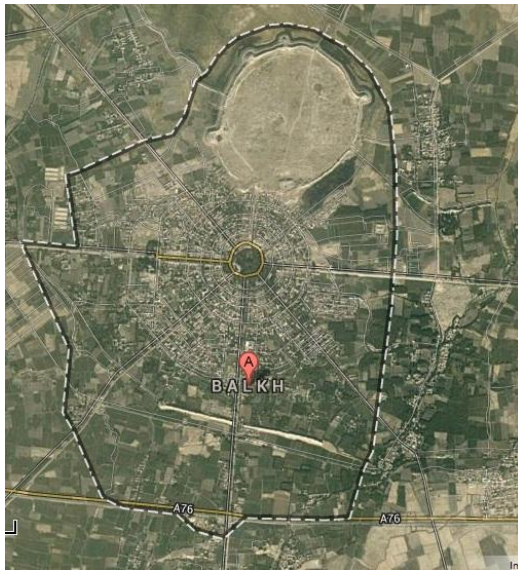
محمدظاهر هنگامیکه بجای پدرش نشست فقط ۱۹ سال داشت. محمدظاهر کمتر از ده سال داشت که به فرانسه اعزام شد، وی الی شانزده سالگی در اروپا بسر برد. افغانستان از ۱۹۷۳ به بعد گرفتار جنگ‌های داخلی، دوران کمونیست‌ها (۱۹۷۸-۱۹۹۲) و دوران مجاهدین و طالبان (۱۹۹۲-۲۰۰۱) شد و در سال ۲۰۰۱ دولت اول و دوم کرزی صاحب و در سال ۱۳۹۲ دولت سوم داکتر اشرف غنی



^۲ الفنستون، بیان سلطنت کابل (افغانان)، ص ۴۹۶

معماری در افغانستان^۳

معماری هنر و دانش طراحی بناها و سایر ساختارهای کالبدیست. تعاریف جامع تر، بیش تر معماری را شامل طراحی تمامی محیط مصنوع از طراحی شهری و طراحی منظر تا طراحی خرد جزییات ساختمانی و حتی طراحی مبلمان می دانند.



هزاران سال است که عنعنه و فرهنگ تمدن های مختلف مانند هخامنشیان، فارس ها، یونانیان، بودیست و مسلمانان افغانستان را متأثر ساخته است. نشانه های این فرهنگ ها و تمدن ها در سراسر کشور و در بناهای مختلف هویدا می باشد. از شهر بلخ تا جنوب شهر زیبای قندهار و شهر هرات و

بامیان . باید توجه داشت که امروزه واژه « معماری » در دو معنای وابسته بکار می رود:

اول معماری به عنوان «فرایند ساماندهی فضا» که آورده شده است که یک فعالیت خلاقانه است و بر پایه ی علمی-تجربی، هنر و فناوری می باشد و بیشتر از سوی معماران این برداشت صورت می گیرد. دوم معماری به عنوان «نتیجه ساماندهی فضا» محسوب می شود به این معنی که به ساختمان هایی اشاره دارد که پیش از ساخت آنها این فرآیند پیموده شده است. این برداشت بیشتر از سوی باستان شناسان و مورخین معماری بکار می رود.

³ مقاله ای از کریم پوپل (متاسفانه محل و سال نشر آن را پیدا نکردم)

9 معماری اسلامی در افغانستان

در یک تعریف کلی از معماری ویلیام موريس چنین می نویسد:

معماری، شامل تمام محیط فیزیکی است که زندگی بشر را در بر می گیرد و تا زمانی که جزئی از دنیای متمدن بشمار می آییم، نمی توانیم خود را از حیطه آن خارج سازیم، زیرا که معماری عبارت از مجموعه اصلاحات و تغییراتی است که به اقتضای نیازهای انسان، بر روی کره زمین ایجاد شده است که تنها صحراهای بی آب و علف از آن بی نصیب مانده اند. ما نمی توانیم تمام منافع خود را در زمینه معماری در اختیار گروه کوچکی از مردمان تحصیل کرده بگذاریم و آنها را مامور کنیم که برای ما جستجو کنند، کشف کنند، و محیطی را که ما باید در آن زندگی کنیم شکل دهند و بعد ما آن را



ساخته و پرداخته تحویل بگیریم و سپس شگفتزده شویم که ویژگی و کارکرد آن چیست. بعکس این بر ماست که هر یک، بنوبه خود ترتیب صحیح بوجود آمدن مناظر سطح کره

زمین را سرپرستی و دیدبانی کنیم و هر یک از ما باید از دستها و مغز خود، سهم خود را در این وظیفه ادا کند. در تعریفی دیگر از لوکوربزیه یکی از بزرگترین معماران تاریخ میگوید:

معماری بازی است با اشیاء در زیر نور

با وجودیکه مصری ها و کلدانی ها در ساخت تعمیرات خود از سنگ های نرم کار می گرفتند ولی این فرهنگ پس از تجارت لاجورد از افغانستان به مصر به این کشور وارد گردید. ولی به نسبت نبودن ابزار

کار نتوانستند این فرهنگ را ترویج نماید پس از تجارت ابریشم مردم بخدی به تراشیدن سنگ های نرم آشنا گردیدند. فرهنگ معماری سنگی و خشت پخته توسط یونانی ها به کشور وارد گردید.

یونانیان توانست توسط معماران یونانی شهرها و قلعه های در هرات قندهار مزار شریف پروان و

بدخشان اعمار نماید. پس از یونانیان، یونانیان باختری

بناهای زیبا اعمار نمودند. باختریان یونانی پس از

شکست از لشکر سکها به جنوب افغانستان یا

کابلستان حکومتی را بنا نمودند. دیری نگذشت که هنر

معماری یونانیان با هنر معماری هندوستان تصادم نموده

هنر گندهارا را ساختند که در عصر خود نظیر نداشت.

مهندسان افغانی الی ورود کاغذ همه را در سر و پا پوست

ترسیم می کردند. پس از ورود اعراب مهندسان استفاده

از قلم و کاغذ را فرا گرفتند.⁴

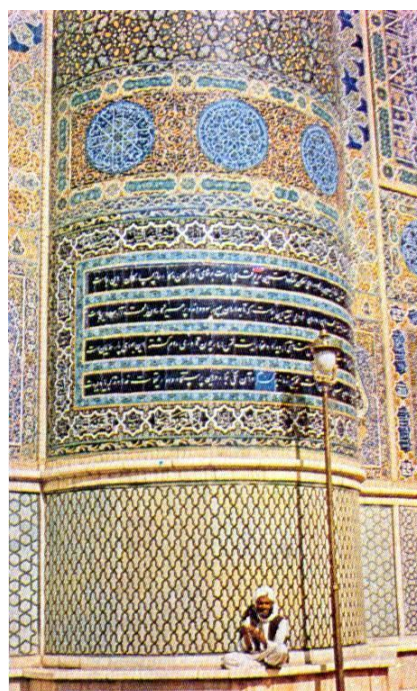
بعضی از تعمیرات پس از قرن 18 بجا مانده تعداد

توسط انگلیس ها ویران و دوباره اعمار شده است. تعداد از اعمارات زیبا پغمان و کابل در جنگهای

داخلی از بین رفته است.

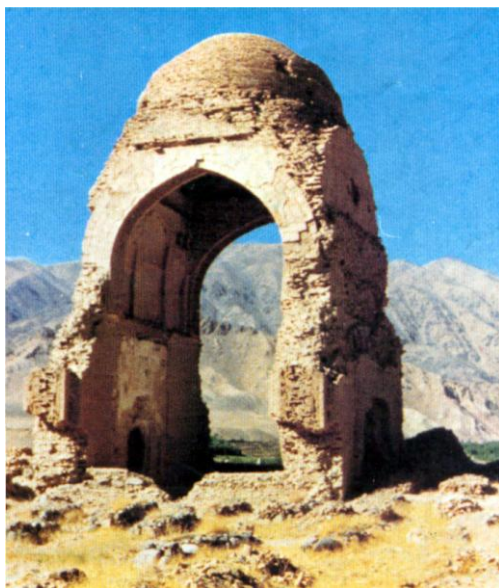
پادشاهان افغانستان در سالهای بین ۱۲۹۸-۱۱۵۳ یک تعداد آثار از خود گذاشتند که از آثار به جا

مانده این دوران میتوان از مقبره احمد شاه در قندهار و تیمورشاه در کابل نام برد.»



⁴ تاریخچه مهندسی و انجنیری در افغانستان نوشته میرویس رحیمی در ویساید پالیسی شهری

با توجه به تحقیقات کم درباره مهندسی و معماری افغانستان تنها جایی که فعلا بعضی از آثار در آن موجود می باشد و سالم است کابل است. در ساختمان‌های کابل در داخل اطاقهای خود از گچ زیاد استفاده میشد. در چهار گوشه اطاق از ستون‌های گچی با نقش ونگار استفاده مینمودند. سقف اطاق با



اشکال از گچ پلستر کاری میشد. طوریکه اول سیم جالی را در سقف می گرفتند سپس روی آن گچی می ریختند. سپس در قالب‌های چوبی انواع گلها و خط‌های گچی را می ریختند و آنها را توسط گچ به سقف نصب می‌کردند. که معماران کابل درین سبک مشهور شده بودند. در محل بنام سمنت خانه از ریک گچ تخم مرغ البسه کهنه و غیره مواد توسط دست سمنت تر ساخته میشد. سپس

آنها بالای مرکبها به شهر آورده بفروش می رساندن. کابل در سال ۱۲۵۹ در حدود صد هزار باشنده داشت. در سال ۱۱۵۵ کابل تنها ده هزار باشنده داشت زمانیکه پایتخت افغانستان از قندهار به کابل انتقال کرد. خانه‌های رهائشی در آن زمان در حدود ۲ الی ۳ منزل می رسید، این خانه‌ها در احاطه چهار دیواری موقعیت داشت.

در این احاطه ها تنها یک راه دخولی داشت، که گاهگاهی نقش و نگار فلزی نیز در آن مشاهده می‌شد. خم و پیچ کوچه های باریک آن بد بو و متعفن بود. این کوچه ها یک پی دیگر توسط جویچه ها با هم دیگر تقاطع می گردید . آب چویچه ها در خندقها می ریخت .

بیت الخلا (تشنابها) عموماً در قسمت بام ها موقیعت داشت، و مستقیماً به جانب کوچه ها

تخیله می شد. و باعث تعفن

در کوچه ها میگردید. مردم

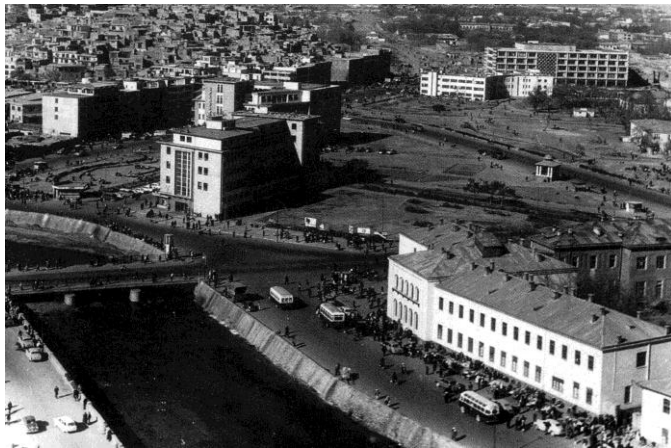
فقط محیط خانه کار و

مسجد را حفاظت مینمودند

در باقی کاری نداشتند هیچ

گونه توجه خاصی در قسمت

ساحات عامه وجود نداشت.



مهندسی کابل را میتوان به یک مهندسی داخلی تشبیه نمود، زیرا توجه بیشتر به احاطه داخلی چهار دیواری میبود، یعنی توجه عموماً به یک حویلی بزرگ و نما ها عموماً از چوپ که با نقش و نگارها مزئین میبود آراسته و تزئین شده بود. نظم و ترتیب داخلی به مراتب بهتر از فضا خارجی خانه بود.

زمانیکه عبدالرحمن خان در سال ۱۲۶۰ به سمت امیری رسید و تصمیم گرفت تا کاخش را خارج از حویلی چهار دیواریش اعمار نماید. نامبرده محل بود و باشش را در قسمت شمال دریا کابل اعمار نمود. که به نام شهر نو یاد میگردید. عبدالرحمان خان یک شیوه کاملاً جدیدی را در افغانستان مروج ساخت.

یعنی مهندسی خارجی که بر علاوه ساختمان های قبلی که به داخل توجه بیشتر داشت به خارج توجه نیز داشته باشد. ، نما ها به استقامت باغ مجهز با چشمه ها بود. عبدالرحمن خان طرح و نظریات شخصی اش را در قسمت مهندسی تطبیق می نمود. راه رو های تاق دار که نوع از مهندسی آسیا میانه بود در ساختمان هایش دیده می شود.

عبدالرحمان خان قبل از امیر شدن سال ها در تبعید در بخارا اقامت داشت. طبیعتاً در آن سال ها بخارا وجه پیشرفته تری از کابل داشت و انواع بناها با نقشه های مربعی استفاده می شده است.

بخارا در دران سامانیان در اوج معماری و هنر بوده است و هنرمندان و مهندسان بسیاری را تربیت نموده است. به همین خاطر عبدالرحمن خان بیشتر از نقشه های مربعی، ساده و یک منزله استفاده به عمل می آورد. که شامل گنبد مرکزی، سالون عمومی هشت ضلعی با اطاق های مربعی که هر کنج آن با راهرو های ستونی وصل گردیده بود. نما های تعمیر عموماً از پلاسترکاری گچ و چونه استفاده می شد. امیر حبیب الله خان ۱۲۹۸-۱۲۸۰ توجه بیشتر به سبک و مهندسی هند بریتانوی نمود. این نوع مهندسی به اردوگاه های نظامی که دارای بام های مایل بود شباهت داشت.

سردار نصرالله خان پسر دوم عبدالرحمان خان یک تغییر عمده را در قسمت مهندسی افغانستان در ابدائی قرن ۲۰ آورد. سردار نصرالله خان



بنابردعوت ملکه وکتوریا انگلستان در سال ۱۲۷۴ رهسپار لندن شد. در جریان اقامتش در آنجا در یکی

از خانه های رونیسانس ایتالوی بود و باش داشت. نقشه آبن خانه وی را بسیار مجذوب نمود و در وقت برگشت به سوی کابل نقشه این خانه را نیز با خودش آورد. نمونه ئی خانه را در قصر خویش در کابل اعمار نمود، و به نام ذین العماره مسمی ساخت.

امیر امان الله خان با توجه به زندگی در اروپا و دیدن شهرهای زیبای فرانسوی و المانی بیشتر



نقشه های اروپایی
را به کابل آورد و
دیگر از نقشه های
سابقه و معماری
سنتی افغانستان
خبری نبود او
تعمیری به اسمی
عین العماره را

اعمار نمود. برعلاوه آن امیر امان الله تزئینات دیگری را که وابسته به تزئینات شعله مانند که در مهندسی گوتیک فرانسه مروج بود، را نیز وارد مهندسی اسلامی نمود، مانند پیش برآمدگی در منزل دوم، نشانه حلقه گل در بالای دروازه. بزرگترین طرح شاه امان الله خان طراحی شهری به اسم دارالامان که ۹ کیلومتر دورتر از شهر نو بود ایجاد نمود. قصر دارالامان که اولین ساختمان کانکریتی و خشتی افغانستان است در این شهر و در مرکز شهر ساخته شد که در سال ۱۳۹۵ طی حکم ریس جمهور از سوی مؤلف و تیمی بازسازی آن شروع گردید.

شاه از شاروالی برلین تقاضا به عمل آمد تا مهندسين و انجنييران خويش را به کابل بفرستند. اما نقشه و طرح ايشان مورد قبول شاه قرار نگرفت. بعداً شاه رو به مهندس تازه وارد اندرگودارد^۵ که تازه همرا با باستان شناسان فرانسوي وارد کابل گرديده بود نمود. طرح و نقشه گودارد مورد قبول شاه قرار گرفت.

سپس طرح مهندسان الماني برای قصر دارالامان مورد پذيرش شاه قرار گرفت و در سال ۱۳۰۱ اولين



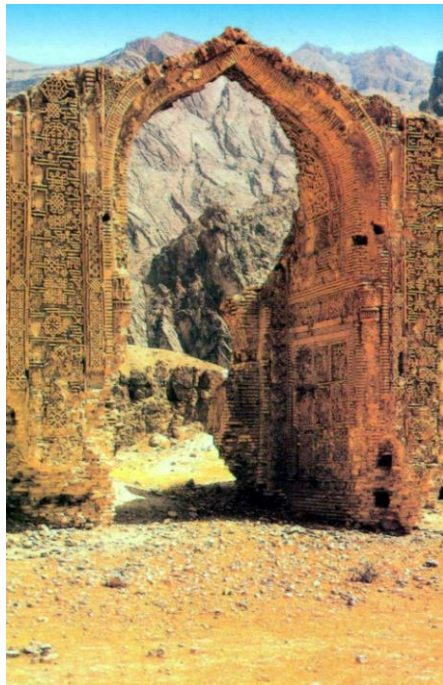
قانون ساختمانی و یا نظام نامه را صادر نمود. در این نظام نامه از همه گان تشويق برای ساختن بناها به عمل آورده می شد. زمین به کسانی که در مدت یکسال خانه ئی را مطابق معیارات ساختمانی میساخت رایگان داده میشد.

یکی دیگر از تغییرات امان الله خان این بود که تا پایتخت را از کابل به پغمان که در ۲۰ کیلومتر آن قرار داشت انتقال دهد. در قسمت دخولی پغمان به مناسبت بزرگداشت استقلال افغانستان بنائی را به اسم

طاق ظفر ایجاد نمود. این طاق شبیه بنائی بود که در شهر پاریس موقعیت دارد. از آن پس تمام وابستگان شاه نیزخانه های شبیه خانه های اروپائی را در حومه ساحات عامه و باغ های عمومی اعمار نمودند. در ساحات عمومی میتوان از یک مسجد، نندارتون، شفاخانه، کتابخانه، هتل، چائی خانه های

⁵ M. Andre Godard

مجهز با محل نمایشات و موسیقی نام برد. در نظام نامه، قانون ساختمانی طوری بیان گردیده بود که نه تنها خانه ها باید از بیرون معلوم شود بلکه خانه ها باید از یک دیگر در حدود ۱۵ متر فاصله و در حدود ۱۰ متر عقب تر از محل دخیلی اعمار گردد. به همین لحاظ تمام ساحه به یک باغ بزرگی شباهت داشت. انبوهی از مهندسان کشور های مختلف مانند فرانسه، جرمنی، ایتالیا، ترکیه، اطیش و دیگر



ممالک به پغمان سرازیر شدند. کارگر ها تحت سرپرستی مهندسان ایتالوی همانند ماریو، دوگادو... کار می نمودند. به مرور زمان و با کسب تجربه نقشه های شخصی خودشان را ترسیم میکردند، که بعداً به اسم معمار باشی یاد میگردیدند. معمار باش ها نقشه ها را با در نظر داشت تصاویر ساختمانی که در مجلات اروپائی و امریکائی بود ترسیم می نمودند. حتی بسیاری از اعضای شاهی به یک معمار باشی شناخته شده مبدل شده بود. تغییرات حکومت نادر شاه در قبال شهر سازی نیز قابل دید است. نامبرده نخست

تمام املاک شاهی را به خزانه عامه انتقال داد. بعداً کار امتداد شهر دارالامان را ملغی و به عوض وسعت شهر را از جنوب غرب کابل به شمال غرب انتقال داد.

در دوران حکومت ظاهر شاه زمانیکه شاه محمود خان صدراعظم افغانستان نتوانست تا یک ارتباط مستحکم را بین دول امریکا و افغانستان ایجاد نماید، از سمت برکنار شده و داود خان پسر کاکای

ظاهر شاه به مقام صدراعظمی رسید. زمانیکه تنش ها بین امریکا و افغانستان به وجود آمد، داود خان تلاش به قایم ساختن ارتباط با اتحاد جماهیر شوروی شد.»

کمک و همکاری شوروی از ۱۳۷۱-۱۳۴۰ ادامه داشت. سه دهه کمک و همکاری های فنی و حرفه ای شوروی تحول شگرفی در قبال مهندسی افغانستان به جا گذاشت.

روس ها طی مدت زمان که در افغانستان بودند معمولاً در مزار شریف کابل و شیرغان بلاکهای رهائشی را بنا نمود. وجود روس ها در زمینه معماری و شهرسازی و زیربنای افغانستان نعمتی برای افغانستان بود اما متأسفانه از آن استفاده نشد. بیش از 90 درصد زیربناها و ساختمان های اساسی و نقشه برداری ها افغانستان در زمان روس ها ایجاد شد. در دوره 15 ساله از حکومت جدید متأسفانه در بخش زیربناها کار اساسی انجام نشده

است و بیشتر به ظاهر پروژه ها توجه شده تا به زیربناها. دلیل اصلی آن وجود وزرا و کارشناسان غیر مسلکی و تکیه بر چوکی وزارت شهرسازی و مسکن بوده است. افرادی که با تحصیلات لیسانس الهیات، لیسانس



حقوق و سیکل به مقام وزارت و معینیت و ریاست می رسد نمی توانن مدیریتی سالم و بر اساس اصول مهندسی و انجینیری داشته باشند. دولت متأسفانه حتی وزارت خانه های مسلکی را نیز سیاسی کرده است و افراد بر اساس روابط انتخاب می شوند نه بر اساس لیاقت و شایستگی.

ساختمان‌های رهایشی مکرویان مجهزه آب سرد و گرم مرکز گرمی و کانالیزاسیون نوید بزرگ برای همزیستی بود. بلاکهای رهایش تفحصات مزار شریف فارم غازی آباد هده و سمر خیل نوع زندگی جدید برای کارکنان افغانی معرفی نمود. از سال 1380 به بعد سرعت ساخت و حجم کاری در افغانستان زیاد شد اما اما متاسفانه تمام سبک و نوع ساختمان‌ها بی نظم و پر هرج و مرج بودند. بسیار از شیوه‌های ساختمانی از کشور های همسایه چون پاکستان، ایران و بسیاری از ممالک عربی، و حتی از ممالک دور دست همانند اروپا و امریکا مختلط با شیوه‌های افغانی وارد گردیده است. بسیار از باشندگان شهر کابل، کابل را همانند یک شهر افغانی در نمی‌یابند.

انجیران و مهندسان مسلکی می‌دانن



که زیربنا اصل و اساس یک شهر را تشکیل می‌دهد اما در این 15 سال هیچ کار زیربنایی اساسی انجام نشده است و صرف تبلیغات و افتتاح پروژه‌هایی پر از مشکل و غیر اصولی شده است.

به طور نمونه کدم بخش از شهر کابل فاضلاب دارد، سیستم گرمایشی اصولی کجاست، سیستم ابرسانی و کانالیزاسیون کجاست. متاسفانه به دلیل فقدان دانش و علم در افغانستان با افتتاح پروژه‌های بی اهمیت و بدون اساس انجیرری مردم را بازی می‌دهند در صورتی که هم اکنون وضعیت آب کابل به حد خطر رسیده است. وضعیت هوا و سوخت و بقیه مسایل